

کابل: تایمینی، چهارراهی حاجی محمد داد، سرک ۴، دفتر جمعیت اصلاح، تلیفون: ۰۷۹۹۳۹۴۰۱۵ / ۰۲۲۰۴۳۰۵
کابل: کوته سنگی، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتش اصلاح افکار: موبایل: ۰۷۷۸۱۹۱۳۸۲

کابل: شهرنو، چهارراهی انصاری، کتاب فروش رسالت، ۰۲۲۰۳۳۵۹

کابل: انتشارات مستقبل مقابل بلاک های شاداب ظفر، ۸۸۷۰۳۰۵
کابل: کمپیوتر فروشی الکاموی جاده نادر پشتون، مارکیت نظرمنزل ۲ دکان ۲۳ / ۰۷۹۹۳۹۰۸۱۹

کابل: کابل ده افغانان کتاب فروشی بیهقی
کابل: انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی مسجد جامع پل خشتی ۰۷۵۲۲۲۲۲۲ / ۰۷۹۹۰۱۱۱۱

ننگرهار: جلال آباد، نارنج باغ، عبدالحق مینه، (دکابل د مویرو اډه) د جمعیت اصلاح ساحوی دفتر تلیفون: ۰۷۰۰۶۳۲۴۸۰
X د شیرین دل پلازی لاندی پور، نقیب کتاب پلورنخی، تلیفون ۰۷۰۰۹۵۶۴۲۲ / ۰۷۷۲۸۲۸۶۴۹

کندهار: نوی بازار، د هرات سرک، د سړي جامع غرب طرف ته سوري مېنه د امام ابوحنيفه (رح) تعليمي او کلتوري مرکز د جمعیت اصلاح ساحوی د تلیفون: ۰۷۰۰۶۶۸۹۴۸ / ۰۷۰۰۳۰۸۲۷۱

لغمان: مهترلام بازار، حمزه مارکیت تلیفون: ۰۷۹۹۴۴۲۹۲۰

هرات: جاده بانک خون، بالا تر از تالار قمر، گذر هشت بهشت، انجمن اخلاق و معرفت تلیفون: ۰۴۰۲۳۵۵۹۰

پلخ: عقب حمام سره میاشت، مرکز تعلیمی اصلاح ۰۷۹۹۶۹۴۲۴۵

کندهار: شهر کندز، جاده ولایت، کوچه حاجی میری، مؤسسه تحصیلات عالی سلام ۰۷۸۷۷۰۳۷۲۴

پغلا: پلخمیری، مارکیت اتفاق کتاب و قرطاسیه فروشی رسالت ۰۷۰۰۵۸۹۸۵۷ / ۰۷۷۷۴۷۶۶۶۹

لوگر: مرکز، مدینه مارکیت سرک مسجد جامع، کتاب فروشی سادات، سید عبدالحمید هاشمی، تلیفون: ۰۷۰۰۰۴۴۹۸۱
لوگر: محمدآغه، واغجان بازار، پهلوی کلنیک حسین خیل، تلیفون: ۰۷۷۵۴۱۳۸۷۶

پکتیا: د گردیز بازار، مرکزیز چوک، د نسی نمایندگی وحید الله: ۰۷۷۹۲۱۳۸۲۲

خوست: افغان تاور شاهه خوست مرکزی طبی لابراتوار دوم پور جمعیت اصلاح ساحوی دفتر دکتر اکبر محمد گلاب: ۰۷۹۹۱۷۴۵۴۶ / ۰۷۷۱۷۴۵۴۶

قنار: بازارچه کتاب دکان مولوی حبیب الرحمن ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲

بدخشان فیضی آباد: ۰۷۷۵۲۷۰۵۰۸ / ۰۷۰۷۸۳۱۳۶۶

زابل: ۰۷۰۰۳۰۱۹۴۸

فراه: جاده مخابرات دست راست مرکز علمی و فرهنگی توحید ۰۷۰۳۲۰۲۰۴۴

کونړ: د معارف ریاست ته مخامخ د جمعیت اصلاح ساحوی دفتر پیښور مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان/ تلیفون: ۰۹۱۵۸۵۲۷۹۵

قیمتیک شماره ۱۰ افغانی

قضیه قدرت خواستن

در روشنی شریعت

منبع: تفسیر فی ظلال القرآن

مسلمانان حکومت و رهبری را بدون تربیت اخلاقی و تزکیه نفس به دست نیاورده و نگرفته اند، برخلاف اغلب ملتها و اشخاص و مردان حکومتی در گذشته و حال بلکه مسلمانان زمانی طولانی و زیادی تحت تربیت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و زیر نظر دقیق او بوده اند. ایشان را پاک و پاکیزه می داشته است و تربیت و پرورده می فرموده است. آنان را به زهد و پرهیزگاری و پاکدامنی و امانتداری و وفاداری و ترس و هراس از خدا فرامی خوانده است، و از ایشان می خواسته است برای حکومت و ریاست خود را پیشنهاد و عرضه نکنند و بر آن حرص و جوش نشان ندهند. می فرمود:

(إنا والله لا نولي هذا العمل أحدا سأل، أو أحدا حرص عليه)

ما به خدا سوگند بر این کار کسی را نمی گماریم که آن را درخواست بکند، یا بر آن حرص و آز داشته باشد. هنوز که هنوز است گوش مسلمانان را می نوازد:

(تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الأرض ولا فسادا والعاقبة للمتقين) (قصص/۸۳)

ما آن سرای آخرت را تنها بهره کسانی می گردانیم که در زمین خواهان تکبر و استکبار نیستند و فساد و تباهی نمی جویند (و دلهایشان از آلودگیهای مقام طلبی و شهرت طلبی و بزرگ بینی و تباهاکاری پاک و پالوده است)، و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

مسلمانان خود را روی وظیفه ها و منصبها نمی انداختند و به دنبال آنها راه نمی افتادند، چه رسد به این که خود را نامزد فرمانروائی کنند، و خویشتن را پاک و بیگناه قلمداد نمایند و بستانند، و تبلیغات پخش کنند، و تلاش ورزند و پول خرج کنند تا به فرمانروائی و حکمرانی برسند. هرگاه مسلمانان عهده دار کاری از کارهای مردمان شوند و به ریاست امری برسند آن را غنیمت یا لقمه جبری یا پولی نمی شمارند که آن را در مقابل پولی که خرج کرده اند یا تلاشی که ورزیده اند بقایند و بخورند. بلکه آن را امانتی بر عهده خود می شمارند، و امتحانی از سوی خدا می دانند، و آگاهند که آنان را در پیشگاه دادگری پروردگارشان نگاه می دارند، و از کوچک و بزرگ امور از ایشان بازخواست می گردد، و مسؤول ریز و درشت کارها هستند. پیوسته این فرموده خداوند بزرگوار را به یاد داشته اند

و آویزه گوش خود کرده اند:

(إن الله يأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها ، وإذا حکمتم بین الناس أن تحکمو بالعدل)

بی گمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می دهد که امانتها را اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده ، و چه چیزهایی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته اند) به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید. (نساء/۵۸)

و این فرموده خداوند بزرگوار:

وهو الذي جعلكم خلائف الأرض ، ورفع بعضكم فوق بعض درجات ، ليلولكم فيما آتاكم.

خدا است که شما را جانشینان دیگران برای آبادانی جهان در کره زمین گردانید، و در استعدادهای ذاتی و مواهب آسمانی و اموال کسبی برخی را بر برخی، درجاتی بالاتر برده و در کمال مادی و معنوی به نسبت استفاده شخص از اسباب و سنن یزدان و گسترده در پهنه جهان، کسانی را بیشتر از کسانی ترقی و تعالی داد) تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید و در عمل مشخص شود چه کسی به شرائع آسمانی مؤمن یا کافر و در نعمتهای خدادادی سپاسگزار و یا ناسپاس است. (انعام/۱۶۵)

جمعیت اصلاح افغانستان

بخش نشرات و فرهنگی



بفصلنامه
اصلاح
اونیزه
دسلامداصل فہم منبر

Email: eslahmilli@gmail.com

www.eslahonline.net

دلیکوال پلاوي تر نظر لاندې

دامتياز خاوند:

جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان

رئيس هیأت تحریر:

عبدالفتاح جواد

مدیر مسئول:

نقیب الله حمید 0774327438

آدرس بانکي: جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان کابل بانک

A/c No=1001202080036

(افغانی)

آدرس بانکي: جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان کابل بانک

A/c No=1001201080036

دالر امریکائی

سرمقاله

سال نو

اولویت های نظام نو

سال ۱۳۹۳ همزمان با گذارسیاسی، انتقال قدرت و شکل گیری نظام نو، فرارسید.

سال جدید، سال مهم و سرنوشت ساز در تاریخ کشور به شمار می رود.

طی سالی که گذشت و سالی که هنوز چند روز از آغاز آن نمی گذرد، امنیت مهمترین چالش فرا راه مردم و کشور بوده و موجی از نا امنی ها و نا آرامی هاست که باید راه حل درست و منطقی آن جستجو گردد.

همچنان در سالی که جدیداً آغاز کرده ایم، ملت افغانستان در ابعاد مختلف زندگی مورد آزمون قرار می گیرد و یکی از مهمترین آزمون ها و اساسی ترین قضیه ها که فرا روی ملت قرار دارد، انتخابات و انتقال قدرت سیاسی به فرد دیگر و توانایی او در مدیریت بحران و کشورداری است. در این سال، اولویت های کاری که با خط درشت و برجسته پیش روی فرد اول کشور قرار خواهد داشت، تلاش جدی برای آوردن صلح و تأمین امنیت و برداشتن قدم های صادقانه در این مورد است.

شعارهای که تا هنوز از بنگاه های تبلیغاتی و بلندگوهای نامزدان ریاست جمهوری شنیده می شود، تحقق آن همه شعارهای نامزدان ریاست جمهوری، وابسته به تحقق صلح و تأمین امنیت و ازاین طریق، برچیدن گلیم بحران و مصائب از کشور است، در غیرآن، شعارهای کاندیدان، لافی بیش به حساب نخواهد رفت.

در کنار این، پدیده مهم یا رسالت سنگین دیگر نظام نو، بیرون کردن کشور از صف نخست کشورهای آلوده به فساد است، یعنی مبارزه علیه فساد اداری در همه اشکال و گونه هایش؛ موفقیت در این امر، به احیا و تطبیق فرهنگ مجازات و مکافات و جدیت و عزم قوی در محاکمه علنی مجرمان بر می گردد.

رویهمرفته، شغل زایی یا بسترسازی برای ایجاد کار برای نسل جوان، رشد اقتصاد و زمینه سازی برای خود کفایی در این مورد، فراهم کردن زمینه های تحصیل و تعلیم برای اولاد این سرزمین، حرکت به سوی برکنی ریشه های فساد اخلاقی و توجه به کنترل رسانه های مبتذل، به عباره دیگر، اصلاحیه کردن رسانه های صوتی و تصویری و در پهلوی آن، تبیین و توضیح درست واژه ی آزادی بیان و مطبوعات، مبارزه با توطیه ها و چالش های که از بیرون کشور متوجه افغانستان می شود و مدیریت سیاست بیرونی، از اولویت های دیگر و از برجسته ترین رسالت نظام جدید شمرده می شود.

آنچه گفته آمد، از نارسایی های نظام دوازده ساله و از کم کاری های آن محسوب می شود، نظامی که دارد آخرین رمق خود را می کشد، با این موضوعات مهم تشریفاتی برخورد کرده و به گونه نمادین تعامل نمود و این همه مشکلات را برای نظام نو به ارث گذاشته است.

برآوردن این خواست ها و حل این مشکلات برای ملت ما اهمیت ویژه دارد.

اینکه آیا نظامی که در نیمه راه شکل گیری است، و مشکلاتی که در این دوازده سال انباشته شده است و آن را به میراث می گیرد، و رسیدگی به آن مشکلات، آزمونی اساسی و مهم برایش می باشد، می تواند که از این همه آزمون موفقانه بدر آید و با این چالش ها و معضلات طوری برخورد نماید که کم کاری های نظام دوازده ساله را تلافی نماید؟ و خواست های ملت را برآورده سازد؟ پیش بینی در این مورد، مشکل خواهد بود ولی آمدن نظام نو و گذشت زمان پاسخ به این پرسش را خواهد داد.





سال نو،

فرصتی برای تجدید عهد وطنی

۱. تقلید کور از طرح های بیرونی در عرصه های ملت سازی و بازسازی و ازدست دادن خود ارادیت.

۲. کوشش در جهت بدست آوردن مصلحت ها در بدل ازدست دادن ارزشها.

۳. دادن ولاء به بیگانه ها و فاصله گرفتن از برادر هموطن، که در نتیجه پروسه نفاق و شقاق داخلی را که از قبل آغاز یافته بود، تشدید بخشیده و بی اعتمادی ها را به اوج خود رسانیده است.

بخاطر خروج از تقلید کور و پیامد های ناگوار آن، ضرورت است تا یک قیادت خود دار و متکی به ملت زمام امور کشور را به دست گیرد تا خود ارادیت داخلی تأمین گردیده و طرح های جدید بدور از پالیسی های کشورهای قدرتمند بیرونی به غرض تأمین امنیت و رشد و شکوفایی همه جانبه کشور براه افکنده بتواند. اگر این کار از طریق انتخابات شفاف ممکن است خوب خوب، و الاً ضروری است تا از راه تفاهم و مصالحه وطنی به این هدف نائل گردیم.

حیات یک ملت زنده و با عزت به ارزشهایی بستگی دارد که تحت آن زنده گی می نمایند. مردم افغانستان که بیش از چارده قرن با اسلام زندگی نموده اند، از ارزشهای والایی برخوردارند که سرچشمه همه آن تعلیمات اسلامی می باشد. شدت در برابر دشمنان دین، نرمی با مسلمانان، مبارزه با فساد ظاهرو باطن، مبارزه با ظلم و بی عدالتی، سپردن امور به انسان های شایسته و با تقوی، جزئی از این ارزشها می باشد. ملت ما اگر خواسته باشد که به عنوان یک ملت با عزت در میان ملت های دیگر تبارز نماید، باید ازین به بعد تمام سیاست های بیرونی و داخلی اش را

در روشنی ارزشهای دینی و تاریخی خویش سراز نو سمت و سو دهد. و بالاخره، دولت مردان و اهل سیاست در کشور باید درک کنند که دوستی قلبی به جهت های بیگانه و سپردن ولاء به دیگران، امری است خلاف روح اسلام و تعلیمات دینی ما به هیچ صورت اجازه این کار را نمی دهد. قوتی که در نتیجه وحدت و همکاری داخلی آحاد ملت بوجود می آید، ده ها مرتبه بیشتر و مؤثرتر است نسبت به قوتی که در نتیجه دست نگری و تنگدلی از دیگران به ما رسیده است.

پس بیایید همه با هم، حکومت و ملت، دولت و مخالفین یکبار دیگر تجدید تعهد نماییم که بخاطر خروج از حالت افتیده کنونی و بخاطر اعاده آزادی و خود ارادیت مردم خویش و بخاطر خوشی و سعادت حقیقی مردم افغانستان در سر آغاز سال نو دست بدست هم می دهیم تا در آینده نه چندان دور، کشور ما آباد و مردم ما آسوده و سرفراز گردند.

قباي زنده گاني چاک تاكي چو موران آشيان در خاک تاكي
بيرواز آ و شاهيني بياموز تلاش دانه درخاشاک تاكي

در حالیکه سال جدید هجری شمسی آغاز یافته است، وعده ای از مردم در کمپاین های انتخاباتی جهت انتخاب رئیس جمهور آینده کشور مصروف می باشند، اکثریت مردم کماکان

از آینده کشور بیمناک اند.

وقوع چند حادثه دلخراش در آغاز سال نو که باعث گردید باز هم تعدادی از هموطنان ما جان های شیرین خویش را از دست دهند وعده ای دیگر هم زخمی و معیوب شوند، برین نگرانی ها افزود.

این در حالی است که فقر در کشور بیداد می کند و بیکاری به اوج خود رسیده است. همه ساله ده ها هزار جوان کشور از فرصت تحصیل دریافته های دولتی به علت کمبود گنجایش محروم می گردند و هزاران تن از کادرهای جوان از نبود فرصت های شغلی رنج برده به امید یافتن کار آبرومندی از یک در به در دیگری مراجعه می کنند.

در مناطق روستایی که نه محصولات زراعتی تکافوی ما یحتاج مردم را می کند و نه هم فرصت های شغلی دیگری وجود دارد، وضع به مراتب بدتر از شهرهاست. ادارات مختلف حکومتی نه تنها خدمتگاران مردم نیستند که به بارگرانی در گردن ایشان مبدل گشته اند. خاارنوالی و قضاء به عوض حفاظت از حقوق و اعراض مردم، از فرط فساد به کابوس وحشتناکی مبدل گشته اند که هرانسان با عزتی از نزدیک شدن به آنها هراس دارد.

تا به کی؟

آیا وقت آن نرسیده است که ما به عنوان یک ملت به خویشستن خویش بازگشت نموده و از خود پیرسیم که این همه ناامنی، ظلم، فقر و بیداد و باز بچه دست دیگران قرار گرفتن تا به کی؟ اگر میلیاردها دالر کمک های مشروط و غیر مشروط و حضور ملکی و نظامی ده ها کشور دور و نزدیک نتوانست حال ما را طی دوازده سال گذشته بهتر سازد، ازین پس هم امید بستن به اینها کار بی هوده ای خواهد بود.

با وصف شعارهای جذاب کاندیدان محترم ریاست جمهوری کشور، نمی توان نسبت به کارکرد آینده هیچکدام شان صد درصد مطمئن بود، زیرا چانس تحرک و ابتکار در چنین شرائطی در حد اقل آن قرارداد و زمام داران کشور مجبوراند بیشتر مجری امور تعیین شده باشند تا مبتکران.

آیا وقت آن فرا نرسیده که ما به عنوان یک ملت سردرگریان تفکر نموده راهی را که طی دوازده سال گذشته طی نموده ایم، بازنگری نماییم؟

خلل در کجاست و چاره چیست؟

اگر با تعمق وضع خویش را بررسی نماییم، علت العلل تمام مشکلات و سرخورده گیهای ما را طی بیش از یک دهه گذشته سه چیز تشکیل می دهد:



د روانو نا امنیو بهیر به

راتلونکې ټاکنې ټکنۍ نه کړي؟

اصلاح رسنیز گروپ: حکمت الله څلاند



له بلې خوا د نا امنیو له همدغو پېښو وروسته، د نوروز نمانځنې د نړیوال جشن په اړه، چې ټاکل شوې وه په پغمان کې جوړ شي، د حکومت تصمیم بدل شو او د جشن جوړولو ځای یې د پغمان پر ځای ولسمشرۍ ماڼۍ وټاکله. د نا امنیو دا لړۍ داسې مهال دي، چې د افغانستان ولسمشرۍ او ولایتي شوراګانو ټاکنو ته د ګوتو په شمېر ورځې پاتې دي. وسله والو طالبانو هم څو ورځې مخکې د ټاکنو د ګډوډولو ګواښ کړی ؤ؛ خو افغان چارواکي بیا په ډاډه او امن فضا کې د ټاکنو د ترسره کېدو پرله پسې ډاډ ورکوي.

دا چې د وروستیو نا امنیو موخه د ټاکنو ګډوډول دي او د ټاکنو په ورځ د پراخو امنیتي پېښو شونتیا برېښي، نو د دولتي چارواکو دا ډاډ ورکونه تر کومه پر ځای او د څه موخې لپاره ده؟ او په ټولیز ډول به راروانې ټاکنې تر کومه له ګواښونو سره مخ وي. دا او ځینې نورې پوښتنې مو د سیاسي او پوځي چارو له شنونکو سره څېړلې دي:

نامنې د ټاکنو لپاره تر ټولو ستره ننګونه

د پوځي چارو کارپوه جنرال زلمی وردګ د ټاکنو د امنیت ټینګولو په اړه د افغان چارواکو ډاډ ورکونه بې ځایه او ناسمه ګڼي او وايي، چې راروانې ټاکنې به له پراخو ستونزو سره مخ وي.

نوموړی زیاتوي: «اصلاً په افغانستان کې څوک حقیقتونه نه وایي، حقیقتونه تل پټ شوي دي. په افغانستان کې د سیمې د استخباراتو لاسونه او د نړۍ د زبرځواکونو

د ۱۳۹۲ لمریز کال په وروستۍ ورځ او د ۱۳۹۳ کال په لومړۍ اوونۍ کې د پلازمېنې کابل په ګډون، د هېواد ډېری ولایتونه د خونړیو پېښو شاهدان وو.

د تېر لمریز کال په وروستۍ ورځ د پنجشنبې په ورځ، په ننګرهار کې د وسله والو طالبانو په برید کې دولتي کسانو ته درنه مرګ ژوبله واوښته او د همغې ورځې پر ماخوستن، چې د نوي لمریز کال له شپې سره برابره وه، د کابل په تر ټولو امن سیمه کې سرینا هوټل ته څو تنه وسله وال په ننوتلو بریالي شول او د څلورو بهرنيانو په ګډون نهو تنو ته پکې مرګ ژوبله واوښته.

دغه راز د جمعې ورځې په سهار د کندهار ولایت په خاکرېز ولسوالۍ کې، د نوي کال د را دېره کېدو د نمانځنې په مراسمو کې د چاودنې له کبله، د کندهار د مرستیال والي او د والي د دفتر د رئیس په ګډون پنځه تنه دولتي چارواکي ژوبل شول، چې د دفتر رئیس یې دوې ورځې وروسته په روغتون کې ساه ورکړه.

د دې تر څنګ د جمعې په ورځ په فراه کې هم د وسله والو طالبانو او پولیسو په نښته کې مرګ ژوبله واوښته او په ټولیز ډول ټوله اوونۍ د نا امنیو د پېښو شاهده وه. د دغو نا امنیو وروستۍ څپه هم د پلازمېنې په لویديز کې د شپږمې امنیتي حوزې اړوند، د سې شنبې په ورځ د ټاکنو د خپلواک کمیسیون پر سیمیز دفتر ډله ییز برید ؤ، چې د ولسمشرۍ د یوه نوماند ډاکتر اشرف غني احمدزي کور هم ورڅېرمه دی.

کشمکش دی؛ د افغانستان امنیتي ځواکونو په هغه کچه کې نه دي چې داسې گواښونو ته ځواب وویلاي شي؛ له همدې امله به په ټاکنو کې پراخې ستونزې موجودې وي او په ځینې سیمو کې به خلک لږ رایې اچونې مرکزونو ته هم ولاړ نه شي. په ټول افغانستان کې د ټاکنو په ورځ د امنیت ټینګولو خبره بالکل ناسمه ده.

د سیاسي چارو شنونکي وحید مزده هم ناامني د ټاکنو پر وړاندې تر ټولو ستره ننگونه بولي او وايي، چې روانې ناامني به د ټاکنو روڼتیا خامخا تر پوښتنې لاندې راولي. د ده په وینا "خپله د ټاکنو کمیسیون هم وايي چې په کومو سیمو کې چې امنیت نشته دی، هلته د رایې اچونې صندوقونه نه اېږدي او په هغو سیمو کې به ټاکنې نه کېږي؛ خو په نا امنو سیمو کې که ټاکنې وشي هم، رڼې به نه وي او په هغو سیمو کې به هم، چې امنیت ښه دی، د ټاکنو روڼتیا تر پوښتنې لاندې راولي."

د سیاسي چارو شنونکي او د ستراتيژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز مشر دوکتور عبدالباقي امین بیا دا نا امنۍ له دوو لورو بولي او وايي: «دغه نا امنۍ د دوو لورو د اهدافو لپاره دي، چې یو لوری یې لوېديزوال او هغه څوک دي، چې په افغانستان کې پاتې کېدل غواړي او د پاتې کېدلو لپاره یې امنیتي تړون نه دی لاسلیک شوی. دوی غواړي خلکو ته وښيي چې که امنیتي تړون لاسلیک نه شي، نو افغانان د خپل هېواد د امنیت ټینګولو توان نه لري او دلته به هم د عراق حالت راځي. همدا اوس چې پر سرینا هوټل برید شوی حتی د امنیت شورا هم ویلي چې تر شا یې بهرني استخبارات دي».

ښاغلی امین زیاتوي: «دویم وسله وال مقاومت یا طالبان دي، ترڅو خلکو ته وښيي چې په افغانستان کې د جګړې حالت دی او اوسنی وضعیت له ټاکنو سره نه شي بدلېدای، بلکې د جګړې له لارې به پرېکړه کېږي؛ دا چې طالبان د ټاکنو پر ګډوډولو ټینګار کوي، نو خامخا به پر ټاکنو اغېز هم ولري».

خو د ولسي جرګې غړی حفیظ منصور که څه هم مني چې ټاکنې به له پراخو ناامنیو سره مل وي او په وینا یې چې دا چاره په تېرو ټاکنو کې هم تجربه شوې ده؛ او پدې نظر دی چې که ناامني هرڅومره زیاتې هم وي، د ټاکنو ترسره کېدل د افغانستان اړتیا ده.

نوموړی وايي: «ټاکل شوې نه ده چې ټاکنې په بشپړ امن فضا کې ترسره شي، د ولسمشرۍ او پارلمان د ټاکنو په دوو تېرو پړاوونو کې هم امنیتي گواښونه موجود وو او سره له دې چې طالبانو د امنیت د ګډوډولو تایید کړې، ټاکنې به خامخا ترسره کېږي؛ ځکه نو نه شي ویل کېدای چې که چا

رایه ورنه کړه نو ټاکنې به باطلې وي او د افغانستان ولسمشر به نه ټاکل کېږي»

د ناامنیو پراختیا او د دولتي چارواکو ډاډ ورکونه

که څه هم دولتي چارواکي دا مني، چې د وروستیو بریدونو موخه د ټاکنو د بهیر ګډوډول دي؛ خو بیا هم ډاډ ورکوي چې ټاکنې به په ډاډمنه فضا کې ترسره شي. دا چې دغه ډاډ ورکونه تر کومه پر ځای ده، په اړه یې ښاغلی وحید مزده وايي: «دولتي چارواکي اصلاً د دغه ډاډ له ورکولو سره غواړي، چې د خلکو روحیه ژوندۍ وساتي او خلک په ټاکنو کې ګډون وکړي یا لږ تر لږه په کابل او ځینې نورو لویو ښارونو کې چې امنیت ښه دی، هلته خلک د رایې اچونې مرکزونو ته ولاړ شي او رایې ورکړي، چې دا د دولتي چارواکو یو ډول اړتیا هم ده، خو خلکو ته یو څه روحیه ورکړي، مګر اصلاً د کابل له امنیتي شرایطو او امنیتي وضعیت څخه انګېرل کېدای شي، چې د هلمند په څېر ناامنه ولایتونو امنیتي وضعیت به څرنگه وي. اصلاً هلته د ډاډ خبره نه شي کېدای».

دوکتور عبدالباقي امین هم د رایې ورکونې تر مرکزونو پورې د خلکو د تګ راتګ امنیت ټینګول ناشوني بولي او وايي: «امنیتي ځواکونه ښايي د رایو د صندوقونو امنیت ټینګ کړي؛ خو په ډېری سیمو کې د هغه چا امنیت، چې د رایې ورکونې لپاره د رایو مرکزونو ته ورځي، په هېڅ صورت نه شي ټینګولی».

د ستراتيژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز مشر وايي، چې د ده په اند په اوسني وضعیت کې د ټاکنو لپاره زمینه نه ده برابره او ښه دا وه چې اصلاً د جګړې د پای ته رسولو لپاره کار شوی وای.

جنرال زلمی وردګ هم د حکومتي چارواکو دا ډاډ ورکونه یوازې او یوازې د خلکو د ذهن ارامولو لپاره بولي.

نوموړی زیاتوي: «موږ عملاً وینو چې امنیتي حالت ډېر خراب دی، سمه ده چې دوی به د رایې اچونې د صندوقونو امنیت ټینګ کړي، خو ترڅو چې له حکومت سره د خلکو همکاري نه وي، هغسې امنیت به ټینګ نه شي کړای چې خلک د رایې اچونې مرکزونو ته د تګ لپاره زېږ ښه کړي. خلک له حکومت څخه ناراضه دي او له حکومت سره واټن لري».

د امنیت له خرابوالي د حکومت وېره:

ټاکل شوې وه چې د نوروز ستر جشن د سیمې د ولسمشرانو په ګډون، په پغمان کې ونمانځل شي او د تیاریو لپاره یې هم زیات لګښتونه وشول؛ خو له وروستیو ناامنیو وروسته د حکومت دا تصمیم بدل شو او په ولسمشرۍ ماڼۍ کې یې د دغه جشن د جوړولو اعلان وکړ.

جنرال زلمی وردگ په دې نظر دی، چې دا تصمیم په ښکاره د دې ثبوت کېدای شي، چې افغان حکومت د امنیت په ټینګولو کې پاتې راغلی.

نوموړی زیاتوي: «دوی د پغمان امنیت نه شي نیولای نو د ټول افغانستان امنیت به څرنگه ونیسي.» ځکه دا دومره لګښتونه یې چې هلته وکړل له ټولو لګښتونو سره سره هلته دا نمانځنه نه شي

دوکتور عبدالباقي امین هم په ورته نظر دی او وایي، چې حکومت په اوسني وخت کې د امنیت په ټینګولو نه توانېږي او ښکاره خبره ده، چې دوی نه شي کولای په پغمان کې دا جشن جوړ کړي، چې له همدې امله یې په ارګ کې تابیا ورته نیولې ده.

د ده په وینا «که څه هم د حکومت دا تصمیم پر ځای دی، خو تر څنګ یې باید دا مسؤلیت هم احساس کړي، چې افغانان باید پر یوه داسې حل سره سلا شي، چې په پایله کې یې جګړه پای ته ورسېږي».

ښاغلی وحید مزده هم په پغمان کې د جشن جوړولو د تصمیم بدلېدل، د امنیتي ګواښونو له امله بولي او وایي چې: «له شک پرته د دغه تصمیم اصلي دلیل د امنیتي وضعیت خرابوالی دی، که څه هم دوی وایي چې په پغمان کې پوره چمتووالي نه وو نیول شوي؛ خو هغه چا چې د بهرنیو مېلمنو لپاره د پغمان غونډۍ او هغو ودانیو د چمتو کولو مسؤلیت وردې غاړې و، ویلي چې حتی دغه ودانۍ فرش شوې هم دي او د بهرنیو مېلمنو د مېلمه پالنې لپاره هېڅ ستونزه پکې نشته».

د ولسي جرګې غړی ښاغلی منصور هم په دې نظر دی، چې حکومت د امنیت د ټینګولو توان نه لري.

نوموړی زیاتوي: «کله چې دولت ونه شي کړای چې د مجاهدینو د بریا کلپزه په شانداره مراسمو سره ونمانځي، کله چې نوروز په ټاکل شوي وخت او په ټاکل شوي ځای کې ونه شي نمانځلی، د دولت پر وړاندې د ستونزو د شتون ښکارندويي کوي».

د ناامنیو اصلي عوامل

افغان دولت د دا ډول بریدونو په اړه په عمومي توګه وایي، چې د دغو بریدونو تر شا بهرنۍ استخباراتي کړۍ لاس لري، خو پوښتنه دا ده چې ولې د نړیوالې ټولنې له دومره پراخ ملاتړ سره په تېرو دولسو کلونو کې دا خبره تکرارېږي او د مخنیوي لپاره یې د اقداماتو څرک نه لګېږي.

ښاغلی وحید مزده یې اصلي لامل د سولې او ارامۍ لپاره د افغان حکومت او نړیوالې ټولنې د هوډ نشتوالی بولي او

وايي: «اصلاً ستونزه دا وه، چې افغان حکومت له نړیوالې ټولنې سره ملګرتیا درلوده چې په سر کې یې امریکا وه او امریکا نه غوښتل چې پاکستان له ځانه ناراضه کړي؛ ځکه نو اوس چې د افغانستان حکومت وایي چې په دغو پېښو کې پاکستان لاس لري، دا څه نوې خبره نه ده او په تېرو دولسو کلونو کې هره ورځ افغان چارواکو دا خبره تکرار کړې ده، مګر څه پایله یې نه ده درلودلې».

د ده په وینا، «کله چې له هرې امنیتي پېښې وروسته پرې پاکستان وراچول کېږي، نو باید بیا دا هڅه شوې وای چې کومه حربه چې د پاکستان په لاس کې ده، هغه د پاکستان له لاسه وایستل شي او ناراضي افغانان راضي شي».

جنرال وردگ بیا په دې اړه وایي: «خپله ولسمشر په دې وروستیو کې ځینې واقعیتونه وایي، که چېرې دا واقعیتونه ده ته څرګند وو، نو بیا خو په دویمه دوره کې کله چې ولسمشر کېده، باید لازم تدابیر یې ورته نیولي وای. دا یو واقعیت دی، چې په افغانستان کې د بهرنیو استخباراتو لاسونه ډېر اوږده دي، په تېره بیا نن افغانستان د زبرځواکونو د کشمکش ډګر ګرځېدلی او د افغانستان خلک قرباني ورکوي؛ خو له بده مرغه هر مشر چې افغانستان ته راغلی، نو د خپلو شخصي ګټو په خاطر یې سترګې پټې کړې دي او کله چې له زوال سره مخ شوي دي، بیا یې واقعیتونه له خولو وځي».

ښاغلی وردگ زیاتوي: دا واقعیت دی چې دلته یوازې د افغانانو جګړه نه ده، بلکې دلته ډېر لوري ښکېل دي، یوازې په یوه ولایت کې ۱۰۴ ګروپونه فعالیت لري، نو دلته یې د خلکو تر منځ تفرقه اچولې او خپل واک پرې چلوي.

دوکتور عبدالباقي امین هم په دې اند دی، چې دلته په ناامنیو کې بهرنی استخبارات رول لري او د روانې جګړې اصلي عوامل استعماري اهداف دي.

ښاغلی امین وایي: «دا چې ولسمشر کړزی په خپله وایي چې بهرنيان د افغانستان د امنیت ټینګولو لپاره نه دي راغلي، بلکې دوی یوازې دلته جګړه توده کړې؛ اصلاً همدا د لوېدیزو والو موخه ده او لودیزو وال په اسلامي هېوادونو کې د ناامنیو د پراختیا لپاره کار کوي».

د ده په وینا، «لوېدیز خپلو استعماري اهدافو ته له همدې لارې رسېدل غواړي او دوی دلته د امنیت غوښتونکي نه دي؛ ځکه که دوی دلته امنیت غوښتی، نو په تېرو دولسو کلونو کې به یې د امنیت د ښه کولو لپاره کار کړی وای».

پای

حامد کرزی و حمایت از آزادی کریمیا!!

احمد ضیاء رحیمزی

سقوط کرد و جبهه گیری روسیه در مقابل غرب و بالاخره مداخله نظامی و سیاسی روسیه، در جزایر کریمیا که اتباع روسی نژاد در آن به اکثریت زنده گی می کنند، سیر تحول دوباره سیاست جهانی بسوی دوقطبی شدن را بیش ازهر وخت دیگر برملا ساخت.

اما این که رئیس جمهور حامد کرزی در

حالی که در این اواخر وبه خصوص

طی یک سال اخیر از سیاست های

امریکا وغرب در موضوع افغانستان

به شدت انتقاد می کند ودر هیچ

محفل و هیچ گرد هم آیی چانس

اظهار این مخالفت خود با غرب

را از دست نمی دهد، چرا به

یکباره گی این قدر گام فراتر

نهاد و درمضمر نماینده

گانی از مجلس سنا

و کانگریس امریکا

که به گونه

طبیعی برای

بحث روی

پیمان امنیتی

یا به قول

حامد کرزی و ارگ نشینان امروزی برای وارد کردن فشار بر حامد کرزی و تیم وی در این راستا، به کابل آمده بود، چنان اظهار نظر کرد که به نفع سیاست امریکا نبود، موضوعی است که می توان از دیدگاه های مختلف و زوایای مختلف آنرا مورد بحث قرار داد.

پس از این موضع گیری حامد کرزی و اظهاراتش در مورد تأیید پیوستن جزایر کریمیا به روسیه عکس العمل های داخلی و خارجی در مورد این اظهارات وی نیز به شکلی بروز کرد که خالی از دلچسپی نیست، ایالات متحده امریکا و به خصوص وزارت دفاع این کشور از اینکه رئیس جمهور حامد کرزی از الحاق کریمیا توسط روسیه حمایت نمود ابراز نا امیدی کرد و جان کربی سخنگوی پنتاگون به خبرنگاران اظهارات رئیس جمهور کرزی در این مورد را " به صورت آشکار غیر مفید " خواند.

جان کربی در حالی که ابراز نظر حامد کرزی در مورد الحاق جزایر کریمیا به روسیه را نظر شخصی وی خواند، اظهار داشت که این گونه ابراز نظر نه تنها کدام مفادی ندارد، بلکه به قول این سخنگوی پنتاگون برای آنها قابل قبول هم نیست.

هرچند تا حال هم برخی از مردم وحتى برخی حلقات سیاسی، اختلافات برخاسته بین رئیس جمهور حامد کرزی و امریکا را ساختگی و جنگ زرگری می خوانند، اما از نظر عده زیادی از تحلیلگران مسایل سیاسی و ناظرین اوضاع، موضع گیری اخیر حامد کرزی در مورد اختلافات روسیه و غرب برسر موضوع اوکراین و کریمیا و تأیید خود مختاری کریمیا، آن

هم در دیدار با هیأتی از اعضای کانگریس و سنای امریکا که

غرض وارد ساختن فشار برای امضای پیمان امنیتی به

کابل آمده بودند، می تواند عمق اختلاف نظر بین رئیس

جمهور حامد کرزی و غرب به رهبری امریکا را

نشان دهد.

اما این که این گونه موضع گیری حامد

کرزی آن هم در آخرین روزهای قدرت

سیاسی اش تا چه حد می تواند به نفع

افغانستان و یا به ضرر غرب تلقی گردد،

امریست که به تعمق و تکرارش ژرف احتیاج

دارد.

بحران اوکراین و

پیوستن کریمیا

به روسیه در

نتیجه یک نظر

پرسی عام و

ایجاد تنش های شدید در روابط دوجانبه بین کشورهای غربی و در راس آن امریکا موضوعی است گسترده و دارای جوانب مختلف که نمی توان آنرا در این جا و در این محبت خلاصه کرد ولی آنچه از پیامد ها و نتایج این خرابی روابط بین روسیه و غرب به مشاهده می رسد، اصل دو قطبی شدن سیاست جهانی به حیث یک پدیده قرن بیست و یک میلادی که از مدت ها کم احساس می شد، دیگر در صحنه عمل به مشاهده می رسد.

مداخله روسیه به نفع یانوکوویچ رئیس جمهور سابق اوکراین در بحران این کشور و حمایت از سرکوب تظاهر کننده گانی که خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا و رونق تجارت اوکراین با کشورهای اروپایی بودند، بیش از آنکه به مفاد روسیه بیانجامد، به تشنج بین غرب و روسیه هوا داد، در حالی که حکومت یانوکوویچ نتوانست با وجود حمایت گسترده روسیه در مقابل سیل مردم مقاومت کند و بالاخره در نتیجه حمایت گسترده غرب از این تظاهرات (که طبعاً به نفع غرب بود)، یانوکوویچ خودش از اوکراین فرار نموده به روسیه پناهنده شد و حکومت تحت رهبری وی، نیز

در داخل کشور هم حلقه‌های سیاسی، نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و اعضای شورای ملی هر کدام به نوبه خویش در مورد این موضع گیری حامد کرزی ابراز نظر نموده و هر کدام از دیدگاه خود به رد یا تأیید آن پرداختند، اما آنچه از همه بیشتر در این راستا مهم به نظر می‌رسد، تأکید مکرر تیم رئیس جمهور کرزی بر این موضع در سیاست جدید خارجی پس از اظهارات شخص کرزی در این مورد با اعضای کانگرس و سنای امریکا است.

چنانچه ایمل فیضی سخنگوی ریاست جمهوری در صحبت با روزنامه واشنگتن پست این اظهارات رئیس جمهور کرزی را به حیث موضع گیری جدید افغانستان در سیاست خارجی این کشور تأیید کرد و افزود که داشتن روابط دوستانه با امریکا و کشورهای عضو ناتو به این معنا نیست که افغانستان حق ابراز نظر مستقلانه در مورد مسایل جهانی را نداشته باشد.

به همین گونه انجنیر عبدالکریم خرم، رئیس دفتر آقای کرزی ضمن یک مصاحبه اختصاصی با رادیو آزادی، بحران کریمیا و اوکراین را مشابه به بحران خط مرزی دیورند بین افغانستان و پاکستان خواند و این نظر خبرنگار رادیو آزادی را تأیید کرد که افغانستان می‌خواهد با تأیید الحاق کریمیا به خاک روسیه، توجه جهانیان را بسوی معضل دیورند برگرداند.

عبدالکریم خرم با خیلی صراحت ابراز داشت که بیش از صد سال می‌شود که یک قوت استعماری با کشیدن یک خط فرضی (دیورند) مردمان دو سوی این خط را از هم جدا ساخته است، درست همان گونه که به قول وی دولت مرکزی در اتحاد شوروی سابقه، به شکل دیکتاتورانیه منطقه کریمیا را از خاک روسیه جدا ساخته بود.

خرم همچنان در این اظهارات خود افزود که ما در هر محلی از مردمی دفاع می‌کنیم که حقوق تاریخی آن سلب شده است، چون این تقاضای حق آزادی و خود ارادیت آنهاست.

با توجه به این اظهارات ایمل فیضی و عبدالکریم خرم، تصور نخستینی که در مورد اظهارات رئیس جمهور کرزی به میان آمده بود، مبنی بر این که آقای کرزی با به تنگ آمدن از سیاست های دیکتاتورانه امریکا و فشار های وارده بر وی غرض امضای توافقنامه امنیتی، خواسته عکس العملی از خود بروز دهد تا خشم خود را علیه امریکا و غرب به نمایش بگذارد، تاحد زیادی از بین می‌رود و مشاهده می‌شود که رئیس جمهور حامد کرزی و تیم همراهش در آخرین ایام اقتدار شان، با توجه به بروز نمایان روسیه به حیث یک قدرت منطقه‌ای که سرمایه بازرگانی و گویی غرب را دارد، می‌خواهند بایک تیر دو شکار کنند، از یک سو خشم طبیعی خود در برابر فشارهای غرب را ابراز کرد و از سوی دیگر به برخی کشورهای دیگر از جمله پاکستان و حتی بریتانیا خواست هشدار بدهد که همان گونه که روسیه توانست قسمتی از خاک خود را که در زمان حاکمیت شوروی سابق بر این مناطق به اوکراین واگذار شده بود، دوباره پس بگیرد، افغانستان هم می‌تواند با پیوستن به اتحاد منطقه‌ای که آهسته آهسته بر محوریت روسیه در آسیای مرکزی و مناطق همجوار آن شکل می‌گیرد، برای استرداد قسمت های از خاک کشورش که سالهاست به

اساس شیطنت و روش استعماری بریتانیای آن وقت از بدنه اش جدا شده است، دست بکار شود.

هر چند شاید حقایق زمینی و واقعیت های عینی افغانستان و منطقه و به خصوص مناطقی که افغانستان سالهاست آرزوی الحاق دوباره آنها به خاک کشورش دارد، چنانچه نه نماید که این آرزوی آقای کرزی و تیم همراهش تحقق یابد اما به هر صورت این اظهارات حامد کرزی و نزدیکترین افرادش در مورد بحران اوکراین و کریمیا می‌تواند، نگرانی های را در حلقه های سیاسی و نظامی همسایگان نزدیک افغانستان نیز دامن زند، هر چند تا حال این همسایگان بیشتر در این مورد ابراز نظر نکرده اند. همچنان از جانب دیگر نفس بحران اوکراین و روسیه از یک سو، و بحران غرب و روسیه از سوی دیگر، بر اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان بی تأثیر نیست و می‌تواند نقش منفی ایرا در این راستا داشته باشد.

چنانچه قرار است کانگرس امریکا بزودی بحث خود در مورد اقدامات روسیه در اوکراین را آغاز نماید که ضمن آن تصویب طرحی مورد بحث قرار خواهد گرفت که خواهان قطع مراودات تجارتي و داد و گرفت با شرکت تسلیحاتی "روسوبورون ایکسپورت" روسیه می‌باشد.

"روسوبورون ایکسپورت" شرکت دولتی تسلیحاتی روسیه است که سلاح و تجهیزات نظامی را به کشورهای جهان صادر می‌کند و امریکا هم برای تقویت اردوی ملی افغانستان برنامه خرید هلیکوپترهای نظامی از این شرکت را در نظر دارد.

"دن کوتس" سناتور جمهوری خواه از ایالت اندیانا ای امریکا که طرح قطع و فسخ معاملات امریکا با شرکت "روسوبورون ایکسپورت" را پیشنهاد کرده، ضمن استدلال بر موفقش در این رابطه حمایت رئیس جمهور کرزی از الحاق کریمیا با روسیه را نیز یاد آوری می‌کند و می‌گوید اگر طرح او در کانگرس تصویب شود، امریکا پول خرید این هلیکوپتر ها را نخواهد پرداخت.

به هر صورت، آنچه واضح است این است که افغانستان به حیث یک کشور آسیب پذیر از هرجریان و هر بحرانی، در این جا از بحران بوجود آمده در اوکراین و موضع گیری روسیه برای نمایش قدرتش به حیث یک قدرت نیرومند منطقه‌ای که می‌تواند در برخی موارد به یک تازی امریکا و غرب هم پاسخ بدهد، نیز به حد کافی متأثر شده می‌تواند.

نه تنها این بلکه موضع گیری اخیر رئیس جمهور حامد کرزی و چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست خارجی و موضع گیری مخالف با ناتو و امریکا در قبال مسایل منطقه‌ای و بین المللی و آنچه به یکبارگی، بر شدت این تأثیری افزاید، ولی باز هم دقیقاً روشن نیست که این موضع گیری رئیس جمهور در آخرین ایام اقتدارش در حالیکه کشور از یک سو، با موجی از نا آرامی ها روبرو است و از جانب دیگر، این نظریات رئیس جمهور در حلقه های سیاسی و انتخاباتی زیاد مورد پذیرش نیست، چه پیامد های ناخوشگوار را برای این کشور جنگ زده به ارمغان خواهد آورد؟

پایان

گلبرگهای ادب

الهی ! اشک چشمی، سوز آهی
فروزان خاطری، روشن نگاهی

زهرسو بسته شـد درهای امید
کلیدی ، رخنه ئی ، راهی پناهی

سعدی چه خوب می گوید:

هرمز را گفتند: وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی؟
گفت: خطایی معلوم نکردم، ولیکن دیدم که مهابت من در دل
ایشان بی کران است و بر عهد من اعتماد کلی ندارند،
ترسیدم از بیم گزند خویش آهنگ هلاک من کنند پس قول
حکما را کار بستم که گفته اند:

از آن کز تو ترسد بترس ای حکیم
وگر با چو صد بر آیی بجنگ

از آن مار بر پای راعی زند
که برسد سرش را بکوبد به سنگ

نبینی که چون گربه عاجز شود
برآرد به چنگال چشم پلنگ

بیا ای تاجک، بیا ای پشتون بیا ای....

بیا بید درمقدم بهار عهد بهاری ببندیم و بر گذشته ها چهار تکبیر
بگوییم و نه یکبار که بل صد بار پیشانی معصیت بر محراب توبه
بساییم و سینه از چرک خود خواهی بشوییم و دل از زنگار کینه تهی
داریم و تن از بند اسارت رهاسازیم و سبکبال بر جاده ی همدلی قدم
نهیم و آسوده از سفره ی همنشینی کام بجوییم، سر از اطاعت
داروغه ها و پاسداران تاریکی برتاییم و پتک انتقام بانروی همرنگی
و هم سنگی برفرق دشمنان این خاک محکم بگوییم و برسمند خرد
تاشهر یکدستی و ناکجا آباد دوستی بتازیم که آنجا مخملی به رنگ
عزت، فرش راه ما است. . . خدایا شوق وحدت در دلهای مارا زنده
کن و بر سرزبان و نوک قلم اهل دانش ما جز صلاح این ملت مظلوم
و این سرزمین ویرانه را جاری مساز و ما را از لجن عصیبت ها
برهان و بر جاده ی همدلی ها بنشان که بیش ازین حریم حیا نداریم
ورشته انصاف نبریم ... آمین یارب العالمین. (استاد سلیم صایب)

علامه اقبال می گوید:

آه از قـومی که چشم از خویش بست
دل بـه غیر ا داد، از خود گسست

تا خودی در سـینه ای ملت بـمرد
کوه کاهی کرد و بـداد او را بـمرد

چون بـه نام مصطفی خوانم درود
از خجالت آب میگردد و جـود

عشق میگـوید که ای محـکوم غیر
سـینه ای تو از بـتان مانند دیر

تا نداری از محـمد رنگ و بـو
از درود خـود میـالانـم او

از غلامی لذت ایمـان مجـو
گر چه باشـد حـافظ قـرآن مجـو

استاد خلیلی می گوید:

زندگی در بردگی شرمندگی است
معنی آزاد بودن زندگی است

سر که خم گردد به پای دیگران
بر تن مردان بود بار گران

بنده حق در جهان آزاده است
مست وی فارغ ز جام و باده است

مسکومتے

عمری خلافت او وقار

یوه مشهوره خبره روایت شوې، چې هغه په یوه خطبه کې وویل: زما ملګري په دې ملامتوي چې دوی نوي زلمیان دي، آیا د رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اصحاب نوي ځوانان نه وو؟ نو ځینې کسان د ځوانانو د احساساتو او قوت څخه ناوړه ګټه اخلي، هغوی د تشدد لارې ته په هڅولو د هلاکت کندی ته ګوزاروي، ځکه ځوانان دومره وخت نه لري ترڅو کېني او وګوري، د روا او ناروا تر منځ توپیر وکړي، د مباح او غیر مباح فرق وکړي، د دې په خلاف هغه کار غوره ګڼي چې یو ډول نومیالیتوب او میړانه ولري، دوی په هغه کار کې خپل ځان ویني، د خپلو خوبونو د رښتیا کېدو لاره یې ګڼي، له همدې امله دا به ډېره خطرناکه پایله ولري: د ځوانانو د سمې لارښوونې په اړه بې پروایي وشي. (دکتور یوسف قرضاوی)

اوبښتون

قاري سعید
له پردو څه ګیله چې خپل ورته لیمه اړوي
چې بل په ظلم زما له کښت څخه اوبه اړوي
دا څنګه نن له بشر خور نه بشر دوست جوړېږي
دشپانه ډانګ، نو فطرت کله دلېوه اړوي
خلک د دې په ځای چې وپوښتي قصاب نه ولې؟
ولې په وینو سور پسه په تناره اړوي
خومره ظالم دی اوبښتون دیویشتمې پېړۍ
په پټو سترګو په بل مخ باندې هرڅه اړوي
دوی خو بلد دي له دا خپلو تروړميو سره
د رڼا ګانو غله، رڼا مو په تیاره اړوي؟
چې مې سینه دایمانې عزم، جوهر ولري
سعیده خود به نو دهرې تورې خوله اړوي

وايي چې عمر بن عبدالعزیز رحمه الله عنه په دمشق کې په یوه کوتې کې اوسېده، چې د خلکو په مخکې وه او د مسکینانو او فقراء په ګډون هر چا کولی شو، له هغه سره وګوري، بیا یې ښځه فاطمه چې د خلیفه لور او د خلیفه خور وه، راوغوښته او ورته یې وویل، چې پوهېږې چې د پیغمبر صلی الله علیه وسلم د امر تعميل دا منصب مې په غاړه اخیستی دی او ته پوهېږې، چې د عمر رضی الله عنه خلافت په شمال کې تر ترکستان، په جنوب کې تر افریقا، په شرق کې تر سنده او په غرب کې تر رباطه، نو که ته الله غواړې او آخرت غواړې نو خپلې ګانې دې بیت المال ته تسلیم کړه او که دنیا غواړې نو بیا د پلار کورته دې لاړه شه! د ژوند آسانتیاوې ځان ته برابرې او له دنیا نه خوند واخله! ښځې یې ورته وویل نه والله! زما ژوند او مرګ به له تاسره وي، بیا یې خپلې ټولې ګانې بیت المال ته تسلیم کړې او د مسلمانانو خزاني ته لاړې.

ځوانان په کوم لوري؟

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) صحابه کرام د خیر په لور وهڅول، دوی خپل قوت د هغه جابر او طاغوت په مقابل کې وکاراوه چې مسلمانان یې ځورول، خو خوارجو خپل قوت د مسلمانانو په خلاف استعمال کړ، ځکه خو د هغوی په هکله داسې روایتونه راغلي چې دا د نویو ځوانانو او کم عقلانو ډله وه، یعنې دوی د عمر په اساس نوي ځوانان و، چې ځینو مشرانو ددوی له احساساتو ناوړه ګټه واخیسته، او دوی یې د هلاکت لور ته وخوځول، د ابو حمزه شاري څخه چې د دې ډلې مشر و

د اخوان ۵۲۹ تنه په مرگ محکومول او د نړيوالو چوپتيا!

ليکنه: استاد عبدالفتاح جواد

المسلمين په هماغه لحظه کې د رسمي پاڼې په خپرولو سره دغه برید غندلی او په هغه کې يې لاس لرل رد کړي دي. اخوان المسلمین د یوه بیان په خپرولو سره دغه اقدام جنایت بللی دی او واکمنان یې د قضا له صلاحیتونو څخه په ناوړه گټې اخیستنې تورن کړي دي، چې غواړي لدې لارې د مصر د ولس پاڅون وځپي. د امریکا حکومت بهرنیو چارو وزارت د یوه بیان په خپرولو سره د اعدام د سزا ه اړه خفگان ښکاره کړی دی او مصر یې هڅولی دی، چې د محکوم شویو کسانو دوسیې بیا وڅېړي. فرانسې هم پدې اړه د یوې اعلامیې په ترڅ کې خپله نارضايتي ښودلې ده.

ترکیې هم کودتا چیان تورن کړي دي، چې د خپل ولس په وړاندې ظالمانه گامونه اخلي او دغه پرېکړه یې غندلې ده. د هېواد دننه حقوقي او قضايي آزادو ټولنو او شخصیتونو دغه پرېکړه ناسمه او له انصاف سره مخالفه بللې ده. حقیقت دا دی چې د مصري کودتا چیان دغه اقدام هم د آزادۍ، بشري حقونو او نړيوالو قوانینو سره په تضاد او ټکر کې دی، خو بیا هم پدې اړه د نړيوالې ټولنې غبرگون سوړ دی، بیا هم د دې ظلم په وړاندې د چوپتیا موقف نیول شوی دی، بیا هم د یو ډول تایید نظر موجود دی.



د مصر د بندي ولسمشر دکتور محمد مرسي په حکومت د کودتا له ورځې نه را پدېخوا د ولسي پاڅونونو لړۍ روانه ده، لاریونونه او مظاهري دي، ولس د خپل منتخب ولسمشر د را خوشي کېدو او هغه پارلمان د بیرته فعالولو غوښتنه لري، چې د ډېموکراسۍ او آزادو ټاکنو له لارې د ۶۴٪ رایو په اخیستلو سره متشکل شوی وو، خو پوځي دیکتاتور عبدالفتاح سیسي د کودتا له لارې ړنگ کړ او پرځای یې پوځي واکمني جوړه کړه.

د حیرانتیا خبره خو دا ده چې د هغو زرگونو خلکو وژنه خو چا ته جنایت نه ښکاري چې کودتا چیانو د رابعه په میدان او د قاهرې او مصر نورو ښارونو په واټونو کې د سولیبزو لاریونونو په ترڅ کې ووژل، د هغوی قاتلان سرې سترگې گرځي او د نړيوالو او سیمیز ملاتړ په درلودلو سره حکومت کوي او آزاد گرځي، خو د یو څو بریدونو په تهمت نیول شوي کسان او د دموکراتیکو فعالیتونو سرته رسوونکي وگړي په مرگ محکومېږي.

په باور سره ویلای شو، چې نور نو د مصري واکمنانو د ظلم او د نړيوالې ټولنې د سکوت او خاموشانه ملاتړ په وړاندې د ملت او اخوانیانو صبر په ختمېدو دی، کېدای شي حالات د یوه داسې بحران طرف ته ولاړ شي، چې نه یوازې مصر، بلکې اسرائیل او ټوله سیمه له تراژیدۍ سره مخ کړي، کوم اور چې په مصر کې ورته زمینه جوړېږي، هغه د مصر د حدودو دننه نه پاتې کېږي، بلکې هغه به له پولو نه اوږي او هېڅوک به یې هم مخه ونه نیسي.

د عقل خښتنان باید د حالاتو په وړاندې خپل مسئولیت درک کړي، بحران ته قانوني او سولیبز حل را وباسي او د مصر د میلیونونو ځوانانو احساسات ونه ننګوي، او که نه نو بیا چې څه کېږي، تاریخ به یې ټوله پړه د سیکولر قوتونو او پوځ ترڅنګ په هغو بهرنیو هېوادونو او داخلي گوندونو واچوي، چې د کودتا په ملاتړ ولاړ دي او د ملت په حقونو یې خپته اچولې ده.

د کودتا په اړه د قطر، تونس، ترکیې او افریقایي اتحاد نه پرته نورو هېوادونو یا چوپتیا غوره کړه او یا خو یې مستقیم ملاتړ وکړ، د لومړۍ ورځې نه کودتاچیانو د ولس په ستوني پښه کېښوده او د پاڅونونو او لاریونونو مخه یې ډب کړه، په زرگونو انسانان یې ووژل، په لسگونو زره یې بنديان کړل او دهغه گوند په فعالیتونو یې بندیز ولگاوه چې مصري ولس ورته د خپل برخلیک واګي سپارلي وې.

له بده مرغه د نړيوالې ټولنې د ملاتړ او چوپتیا په ترڅ کې د مصر کودتا چیان او د هغوی سیمیز ملاتړي هېوادونه یو گام نور هم پرمخ ولاړل او دغه ډله - چې تاریخ یې د سولیبز او مثبت چلند او سیاست گواه دی - ترورستي ډله اعلان کړه او دغه خوځښت سره تړاو یې هم جرم وباله.

د مصر د منیا ایالت د جنایاتو محکمې د یو بل ناوړه او ظالمانه اقدام په ترڅ کې د اخوان المسلمین د مشر دکتور محمد بدیع او د پارلمان د مشر دکتور سعد الکتاتني په گډون ۵۲۹ تنو مشرانو او فعالانو ته د اعدام (مرگ) سزا واوروله، د دغو کسانو دوسیې د هېواد مفتي ته استول شوې دي، که چېرې هغه دغه سزا تایید کړه، نو بې له ځنډه به تعميل شي، پر دغو کسانو د هغو بریدونو پرې اچول شوې ده، چې د منیا ایالت په یوه امنیتي مرکز تر سره شو او یو ظابط پکې ووژل شو، خو اخوان



سال نو؛ هفت رقص افغانا

در دبی و هند!!!

حمیدزاد

هرکدام با قیافه های غربی و لباس های نیمه برهنه به صحن استیژ آمده رقص و آواز شیطانی خود را به نمایش گذاشتند و افزون به این افغان های فرهنگ باخته و بی هویت، رقاصه های غیرافغانی نیز خواسته شده بود و بدبختانه ده پانزده دختر هرزه دیگر را با خود آورده می رقصانند تا بازهم هرزگی هنر خود را در چرخ دختران کوچه و بازار بیوشانند. و میزبانان برنامه، پول گزافی را در این جشنواره به مصرف رساندند.

مسئولان این دو رسانه ارزش ستیز، با افتخار هم می گویند موسیقی افغانستان انکشاف کرده! و این عملیه های زشت خود را با تأسف خدمت به فرهنگ و هنر و موسیقی می پندارند!! ندانستم که این انکشاف در کدام قسمت موسیقی افغانستان آمده است، در هرزگی ژستها، در موسیقی پرهیاهوی ناهنجار، در اشعار کوچه ای، در لختی و برهنگی، در بیگانگی از فرهنگ اصیل افغانی!!!؟ این نشر فرهنگ بی برهنگی و نمایش اندام کدام نوع خدمت به این ملت است و چه درد این ملت را درمان می کند و کدام قسمتی از بحران جاری کشور را می کاهد، باورم این است که این نوع ابتذال گری و هرزه سرایی و ارزش ستیزی بزرگ ترین کمکی در فربه ساختن بحران می کند و در فرجام خیزش مردمی را بدنبال می داشته باشد.

انسان وقتی تالاری ناهمگون را می بیند که در آن کانسرت های این چنینی برگزار می شود با خود می گوید: ای کاش افغانستان به عوض اینکه در این سالهای جنگ این قدر خواننده راه گم تولید می کرد، ده فیصد داکتر، مهندس، استاد دانشگاه، دهقان و کارگر تعلیم یافته می داشت که افغانستان به آنها نیاز دارد نه به این تعداد هنرمند بی هنر...

بهمانند این برنامه، برنامه دیگری در شب اول سال نو، به بهانه اعلان نتیجه برنامه ستاره افغان، از سوی شبکه تلویزیونی طلوع، به راه انداخته شده بود. در این برنامه نیز زنان رقاصه افغانی دعوت شده بودند و هرکدام با لباس های مستهجن و نیمه برهنه و با قیافه زنان غربی به رقص و پایکوبی پرداختند. همچنان، چنان از ستاره شیطان خود پذیرایی کردند که شاید در هیچ گوشه ی از دنیا چنین پذیرایی از این همچو اشخاص صورت نگرفته باشد. چون دیگران هشیارهستند و مواضع استقبال و پول مصرف کردن را می دانند.

این است وضعیت رسانه های این کشور اسلامی!!!! کشوری که پسوند اسلامی دارد، و در قانون اساسی آن نامی از اسلام برده شده است و به گفته رئیس تدوین قانونی اساسی افغانستان: "سنگ و چوب افغانستان اسلامی است به خاطری که قانونی اساسی آن اسلامی است"!!!! و مسئولان در وقت سخنرانی دهن شان از آب پر

هرسال، آنگاه که نوروز و روزهای عید نزدیک می شود، آنهایی که دشمن ارزش های اخلاقی و خواستار گسترش و توسعه فرهنگ ابتذال اند، با استفاده از این روزها، برای تحقق آرمان شیطانی خود، تلاش می نمایند و سرمایه هنگفت هزینه می کنند و مردم بی سواد و کم سواد ما را اغفال می نمایند و زهر کشنده را در لفافه شهد به خورد شان تقدیم می کنند. از همین دست زهرپاشی، کانسرت های بود که در دبی از طرف تلویزیون طلوع و در هند از طرف تلویزیون آریانا برگزار شده که بیشتر نشان از هرزگی، بی بندوباری، ابتذال، برهنگی و عفت ستیزی داشت.

جشنواره ی موسیقی!!!! که به مناسبت نوروز و آمدن سال نو در شهر دبی و هند برگزار گردیده بود، افغان های رقصنده و پایکوب، عیاش و فحاش از کشورهای مختلف غربی دعوت شده بودند و

مطبوعات، ریشه معنوی نسل جوان این کشور را برمی کند؟ چرا این قدر بی شرمانه به ترویج فرهنگ رقص می پردازید.

چرا احساس مسئولیت نمی کنید؟ آیا باور ندارید که نزد خدا محشور می شوید و مورد محاسبه قرار می گیرید؟ چرا از یک متخصص تقدیر نمی کنید؟ این فردی که به بهانه رشد فرهنگ معنوی کشور این قدر پول را مصرف می کند، وجدانش چرا بیدار نیست تا درک نماید و بداند که معنویت همین تشویق رقاصه ها به رقص و فحاشی است؟ چرا با این پول خود، دست فقرا را نمی گیرد و کفالت تحصیل اولاد تنگ دست این کشور را به دوش نمی گیرد؟

پس از این همه پدیدار می شود که در عقب این همه برنامه های اخلاق سوزی رسانه ها، دست استعمار قرار دارد و روی یک پلان منظم برای ریشه کنی معنویت این کشور و مبارزه علیه اسلام تلاش ها جریان دارد و دست های بزرگ نیز در این میدان دخیل است.

توصیه ما به این نظام این است بس کنید از قتل و کشتن فکر، فرهنگ، اخلاق و اندیشه این ملت، جفا در حق این ملت مصیبت دیده روا می دارید و برای گسترش و توسعه فرهنگ پوسیده غرب و تهاجم علیه اسلام و ارزش های دینی و ملی این ملت میدان ندهید و زمینه سازی نکنید و برای رقاصه های که در آغوش فرهنگ غرب کلان شده اند و با دین و اندیشه این ملت دشمنی دارند و برای شستشویی نسل جوان مسلمان استخدام شده اند مجال فعالیت و رقص ندهید و آنها را در این اهداف شوم استعماری شان یاری نرانید. اگر خواسته باشید که به این ملت خدمت کنید این قضایا را مدنظر بگیرید، ورنه مطمئن باشید که هم در این دنیا ذلیل و خوار خواهید بود و هم در آخرت رسوا و ذلیل خواهید شد و در کنار این رقاصه ها قرار خواهید داشت و همنشین شان در آخرت خواهید بود. این یک قضیه یقینی است، نباید شک کرد.

توصیه ما برای این ملت این است که بیدار شوند و فریب این نیرنگ ها را نخورند به نام هنر و موسیقی و هنرمند، نباید به سوی ابتذال بروند و تماشاه گر این صحنه های رقاصی باشند و آنچه مهم است این است که ملت با حرکت همگانی، تحریم علیه این رسانه های منحرف و ضد ارزش های دینی و ملی این ملت اعلان نمایند و مسئولان نظام را وادار سازند تا جلو این دشمنان فرهنگ و دین را بگیرند و برای شان مجال فسادگستری ندهند و نمایندگان پارلمان را وادار سازند تا در این عرصه قدم های استوار و مؤثر بردارند و نظارگر این صحنه های فساد نباشند، نگذارند که این کشور باردیگر آستان انقلابات شوند و ملت به سنگرها ریزند برای مبارزه علیه این فساد که روز به روز توسعه می یابد.

می شود و لاف می زنند که کشور ما اسلامی است و وزیراطلاعات و فرهنگ هر دم لاف از مولانا، عطار، شمس و ... می زند و نامی از تصوف و تزکیه و دین می برد!

من در اینجا قسمتی از همان مقاله سال گذشته خود که آن را نیز به همین مناسبت نگاشته بودم نقل می کنم که بیشتر حرف های متوجه مسئولان نظام و مسئولان رسانه و ملت می شود. به واقعیت نمی دانیم که از کی گلایه نماییم؟ از رئیس جمهور؟ از وزیراطلاعات و فرهنگ؟ از پارلمان؟ از اصحاب این رسانه ها؟ از ملت تماشاه گر و به خواب رفته خود؟

حقیقت این است که از همه باید گلایه کرد و برای همه توصیه نمود و چهره واقعیت را بایستی برای ملت خود واضح کرد. آیا رئیس جمهور این کشور و وزیراطلاعات و فرهنگ، از این همه ابتذال گری و فساد در رسانه های افغانی اطلاعی ندارند؟ آیا نمی داند در کشورش چه می گذرد؟ آیا تا هنوز متوجه نشده است که بحران اخلاقی ای که رسانه ها پیوسته به راه انداخته و دارند آن را مدیریت و به پیش می برند، تأثیرش در برکنی بنیاد معنویت این کشور و آتش زدن فرهنگ این ملت و به بردن این کشور به سوی بحران کلان دیگری و همچنان مایه قرار گرفتن برای ادامه بحران نظامی و امنیتی بسی بیشتر و کارآ تر است به نسبت انتحار و انفجار و جنگ های گرم در سنگر؟ نمی داند این ملت مسلمان است، فرهنگ شان اسلام است، آرزوی شان تحقق اساسات دین است، خواسته ی شان کنار رفتن مفاسد اخلاقی از این کشور است؟ وقتی قرار براین باشد که رئیس جمهور ما و وزیراطلاعات و فرهنگ از این همه آگاه هستند، پس چرا به اساس دین دینی و مسئولیت ایمانی و انسانی و افغانی خود در راستای بحران زدایی اخلاقی در رسانه ها اقدام نمی کنند؟ چرا تماشاه گر قرار گرفته اند؟ آیا وظیفه رئیس دولت تنها همین است که غرق بازی های سیاسی شود؟ متوجه امنیت و اقتصاد باشد؟ ولی به بعد بزرگ کشورداری خود که همانا مدیریت اخلاقی جامعه است توجه ی نداشته باشد؟ در حالی که اگر به این بعد توجه نشود، هیچگاه این کشور روی خوشی و آرامش را نخواهد دید و همچنان قدری از بحران های امنیتی کاسته نخواهد شد.

همچنان آیا وظیفه وزارت اطلاعات و فرهنگ همین است که رقاصه ها را به رقص و پایکوبی تشویق نمایند؟ یا قبرستی و خانقاه سازی را ترویج و گسترش دهد و از بت های کهنه سرپرستی و حفاظت نماید؟ همین است وظیفه این وزارت؟

تأسف است از این بحران اخلاقی که توسط وزارت به نام فرهنگ، مدیریت و پیش برده می شود؟ چرا شما آقایون به بهانه آزادی



بهار و تکالیف

نوشته: دلیر عباسی

نباید از زمستان انتظار هوای گرم داشت و از شب هوای روشن، بلکه باید با سرما و سیاهی آن دو ساخت و برایشان چاره‌اندیشی کرد. به قول اقبال لاهوری :

مسلمانی که داند رمز دین را نساید پیش غیرالله جبین را
اگر گردون به کام او نگرَد به کام خود بگرداند زمین را
اگرچه بهار زاینده‌ی یخ‌های زمستانی است؛ اما آن نیز ماندگار نبوده و چون جهانگردی است که چند صبحی نزد ما مه مان است و سپس سفر را بر حضر ترجیح داده و ما را به فصلی دیگر می‌سپارد. آمدن بهار معتدل باید ما را نه از وسایل خنک‌کننده‌ی تابستان غافل نماید و نه از وسایل گرمای خزانی و زمستان آتی. شادابی، طراوت، سرسبزی و خوشی‌های بهار، انسان متعادل را گرفتار غرور نمی‌کند. وی بهره‌ی خود را از فرصت پیش‌آمده فراهم می‌آورد. نه آمدن بهار می‌تواند او را از کوره به‌در برد و نه رفتش او را اندوهگین گرداند. شخص متعادل خود را مصداق این آیه‌ی قرآن می‌گرداند که: «... لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» یعنی، ... این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید و نه شادمان بشوید بر آنچه خدا به دستتان رسانده است. خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی‌دارد. مسلمانی که به قضا و قدر ایمان دارد هنگام روی آوردن خوشی‌ها و ناخوشی‌های زندگی شاکر و صابر است؛ زیرا می‌داند که زندگی معجونی زیبا از هر دوی آن هاست: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

بهار یادآور گذشت یک‌سال از عمر آدمی‌ست و بهترین زمان برای محاسبه‌ی نفس و تجدید و تکمیل عهدهایی که با خود و خدای خود بسته‌ایم. رمز موفقیت انسان‌ها در محاسبه‌ی به هنگام نفس و اقدام به برطرف نمودن معایب است. کسانی که به محاسبه‌ی هر از چندگاه خود نمی‌پردازند، به معایب خویش اطلاع نمی‌یابند و در نتیجه چون به رفع آن عیوبشان نمی‌پردازند، در باتلاق معایب خویش دست و پا می‌زنند. بهار بهترین فرصت برای این مهم است. صاحبان اندیشه‌ی سالم به حساب خود می‌رسند، قبل از اینکه به حسابشان رسیدگی شود و نابخردان غافل از احوال خویش، محاسبه‌ی نفس را جفا به خود تلقی می‌نمایند

• هدف از محاسبه و لازمه‌ی آن، برنامه‌ریزی برای آینده است که بدون آن محاسبه معنایی ندارد. هر کس گرایشی به تغییر و حرکت به سوی کمال دارد، باید در نیمه‌ی دوم اسفند محاسبه‌ی سالانه‌ی خویش را آغاز

نسیم فرح بخش بهاری در حال وزیدن است و طبیعت مرده در حال نو شدن و سوز و سرمای زمستان در حال رخت برپستن. بهار نیز رویدادی است همانند سایر رویدادهای طبیعی و تاریخی که برای خردمندان برخوردار از گوش شنوا و چشم بینا حاوی درس‌ها و عبرت‌های فراوانی است. چنان که خداوند در آیه‌ی ۶۵ نحل می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَنَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» یعنی: خدا است که از (ابر) آسمان آب را می‌باراند و زمین را پس از مرگ آن، (دوباره جان و) حیات می‌بخشد. بی‌گمان در این (کار) باراندن و رویاندن و موات و حیات) دلیل روشنی (بر وجود مدبّر حکیم) است برای آنان که گوش شنوا دارند .

دروسی که باید از بهار گرفت :

بهار نوید بخش آخرت است، خداوند هر سال یک بار زنده کردن طبیعت بعد از مرگ زمستانی را به ما نشان می‌دهد، تا تصور زندگی بعد از مرگ برایمان آسان گردد. خدایی که قادر باشد هر سال یک بار زمین و رویدنی‌های آن را بمیراند، سپس زنده گرداند، توانایی آن را هم دارد که تنها برای یک بار آدمی را بمیراند و در آخرت زنده گرداند .

• بهار خوش آب و هوا دائم در پسِ زمستان سرد و سوزان می‌آید، همان گونه که روز روشن در پس شب سیلا. «وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنَزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (جاثیه: ۵) یعنی، همچنین در دگرگونی شب و روز و در چیزهایی، (همچون باران و نور و اشعه‌های گوناگون) که خدا از آسمان فرو می‌فرستد و (سبب) رزق و روزی هستند و خدا به‌وسیله‌ی آن‌ها زمین را بعد از مرگش حیات می‌بخشد و نیز در وزش باده‌ها (و بالطبع دگرگونی هوا) نشانه‌های بزرگی است برای آنان که به تعقل می‌پردازند. این آمد و شد پی در پی، حامل پیام امید است و به انسان می‌آموزد که فضای سرد و تاریک موجود همیشه ماندگار نیست و اگر تاب مقاومت در برابر آن وجود داشته باشد، رو به زوال است و خورشید گرم و تابان در پس این سوز و تاریکی، هر آن پره از رخسار می‌زداید. سختی‌های امروز را به امید دستیابی به خوشی‌های آینده باید تحمل نمود .

پایان شب سیاه سفید است

در نوامیدی بسی امید است

کند و برای سال پیش رویش برنامه ریزی نماید و اهداف سالانه ی خود را نصب العین قرار دهد، تا هر قدمی را که در سال نو برمی دارد، رو به جهتی مشخص و در راستای تحقق هدفی معین باشد. بدون داشتن نظم و برنامه جهت حرکت انسان روشن نیست و آدمی توانایی سنجش و ارزیابی خود را ندارد. بهار مناسبترین فرصت برای این مهم نیز هست . بهار، شادابی، طراوت، سرزنده بودن و تنوع پذیری را به ارمان دارد. بهار هر سال، سه ماه بیشتر نیست؛ اما می شود دوازده ماه سال را بهاری بود. بهار می تواند ایستگاه خوبی برای تقویت روحیه ی نشاط و شادی و دگرپذیری و پایان دادن به جمود و در لاک خود ماندن و افسردگی و اندوه باشد. انسان در بهار بیش از هر فصل دیگری میل به بهره بردن از طبیعت و زیبایی های موجود در آن دارد، بیش از هر زمان دیگر به سیر و سفر می پردازد و برای آسایش تن و آرامش روان برنامه ها دارد. او می تواند برای همه ی سال انرژی و روحیه کسب کند و در فصل های دیگر سال نیز بهاری رفتار کند و بدین صورت بهار می تواند منشأ تغییر و تحول روانی و رفتاری در آدمی باشد .

برخورداری از هر نعمتی، تکالیفی به دنبال دارد که فرار از این تکالیف، منجر به زوال آن نعمت می گردد. بهار نیز نعمتی از نعمت های خداوند است که با وزیدن نسیم های نوید بخشش، مسؤولیت ها و تکالیفی را بر ما تحمیل می کند و بدون انجام آن ها از فواید و خوشی های آن کم بهره خواهیم ماند. از آنجا که در فصل بهار ارتباط انسان با طبیعت به اوج خود می رسد؛ و لذا اگر به وظایف خود در قبال طبیعت آگاه نباشد، می تواند بدترین نوع آسیب را به طبیعت وارد سازد. حفظ محیط زیست، مهم ترین وظیفه ی انسان در هر زمان خصوصاً در فصل بهار می باشد .

دلایل قانونی و اخلاقی حفاظت محیط زیست در اسلام :

۱. محیط زیست آفریده خداست و حفاظت از آن به معنای حفظ آیات و نشانه های آفریدگار است .

۲. اجزای تشکیل دهنده ی طبیعت، موجوداتی هستند که پیوسته در حال ستایش آفریدگار خود هستند؛ به همین دلیل عدم رعایت نظافت در مورد آن ها گناهی بزرگ محسوب می شود. چنانچه قرآن می فرماید: «تَسْبَحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبَحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» یعنی، آسمان های هفتگانه و زمین و کسانی که در آن ها هستند، همگی خدا را تسبیح می گویند و بلکه هیچ موجودی نیست مگر اینکه (به زبان حال یا قال) حمد و ثنای وی می گوید، ولی شما تسبیح آن ها را نمی فهمید. (اسراء: ۴۴)

۳. همه ی قوانین طبیعت را خداوند وضع نموده است و هرچه در طبیعت اتفاق می افتد بر اساس قانون طبیعی خداوند است. پس باید از رفتارهای چون تخریب و یا آلوده نمودن طبیعت که در جهت تخطی از قانون خدا صورت می گیرد، ممانعت کرد

۴. تأکید قرآن براین است که انسان تنها موجودی نیست که در این دنیا زندگی می کند: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمُّ أَمْثَلِكُمْ» یعنی، هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال

خود پرواز می کند وجود ندارد، مگر اینکه گروه هائی همچون شمايند. (انعام: ۳۸)

گرچه انسان بر سایر موجودات کره ی خاکی برتری دارد اما مخلوقات دیگر نیز در خور احترام و حفاظت اند. پیامبر اسلام نیکی به حیوانات را نیز درخور پاداش می دانست .

۵. اخلاق زیست محیطی در اسلام بر اصل «عدل و احسان» استوار است و همه ی روابط انسانی از جمله روابطش با طبیعت باید بر همین مبنا باشد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) لازمه ی التزام به این اصل، عدم سهل انگاری در حفظ محیط زیست و رعایت نظافت آن است .

۶. به هم زدن تعادلی که خداوند به طبیعت بخشیده است، گناه محسوب می گردد. منبع همه چیز در عالم نزد خداوند است. خداوند در حد نیاز و مصلحت به زمین ارزانی می دارد: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» یعنی، چیزی وجود ندارد مگر اینکه گنجینه های آن در پیش ما است و جز به اندازه ی معین و مشخصی (که حکمت ما اقتضاء کند) آن را فرو نمی فرستیم. (حجر: ۲۱)

۷. محیط زیست تنها از آن نسل حاضر نیست؛ بلکه نسل های آتی هم در آن سهیمند و نباید به سهم آیندگان در طبیعت خیانت ورزید. ضمیر «کم» در آیه ی ۲۹ سوره ی بقره هم به این مهم اشاره دارد: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»

۸. سرانجام خداوند وظیفه ی نیابت و جانشینی را بر عهده ی انسان نهاد و این وظیفه آنچنان دشوار بود که هیچ موجودی حاضر به پذیرش آن نشد. این وظیفه ی خطیر در بردارنده ی دو بخش مهم است که عبارتند از بندگی خدا و آبادانی زمین. حفظ محیط زیست نیز بخشی مهم از آبادانی زمین است که عدم رعایت آن شانه خالی کردن از بخشی از وظیفه ی جانشینی محسوب می گردد: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی، اوست که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است. (لوثی پ. پویمان، اخلاق زیست محیطی، ج ۲)

در دین مبین اسلام اصول اخلاقی معینی بر رابطه ی انسان با محیط زیست حاکم است. نقش انسان تنها در بهره برداری از طبیعت و لذت بردن از آن خلاصه نمی گردد؛ بلکه حفظ و حمایت از آن را نیز شامل می شود. پیامبر حتی در جنگ ها خود را در قبال حفظ درختان، چشمه ها و حیوانات مسؤول می دانست و مجاهدان اسلام را به حفاظت و از بین نبردن آن ها سفارش می فرمود. آن حضرت هنگام خشکسالی و کمبود باران نماز باران می خواند و دعا می نمود .

رابطه ی انسان با محیط زیست علاوه بر بهره گیری و حفاظت، شامل تفکر و توسعه هم می شود. بر ماست تا در جلوه های زیبای طبیعت به دیدی اعتبار نظر افکنیم و از مظاهر متنوع طبیعت پند و اندرزها گرفت و در توسعه و آبادانی آن دریغ نورزیم.

منبع: www.islahweb.org/content/

اخوان المسلمین؛

اوومه برخه

پرونده ننه

لنډه دا چې د پوځيانو ظلم او زياتی په خپل قوت ادامه لري، ورځ تر ورځې زور اخلي دا ځکه چې لويديځ هېوادونه په سر کې امريکا يې تر شا ولاړه ده، اسراييل او نور غاصب قوتونه يې هڅوي، ډاډ ور کوي او ترڅنگ يې عربي هېوادونه ورته مالي امکانات برابروي. په وروستيو کې د اخوان المسلمین تر ۵۰۰ زياتو غړو باندې د مصري کودتايي محکمې له لوري د اعدام حکم صادروول د دې بې انتها ظلم او زورزياتي منحوسه اود هر ډول انساني ارزښتونو تر ټولو ناوړه څېره را ډېره کړه. پوځ بنيادي تر دې نور هم خپل شديد ظلمونه و غزوي، تر دې به لا کله خپلو ته ادامه ور کړي او څه چې يې له وسه و شي د خپل واک او اقتدار د ټينګولو لپاره به يې تر سره کړي. خو اوس اصلي پوښتنه داده چې آیا هغوی په لدې لارې خپلو موخو ته ورسېږي؟ آیا اقتدار به يې دوام و کړي؟ آیا اخوانيان به لدې لارې تسليم کړي شي؟ آیا د مصريانو د ارادې په ځپلو کې به بريالی شي؟ دا هغه پوښتنې دي چې د تېر وختونو پر بنسټ ورته مناسب ځواب پيدا کولی شو.

تاريخ راته وايي نه؟ که خبره د اخوان المسلمین د خپلو پورې وي نو چې په تېرو څه باندې پنځه اتيا کلونو په ترڅ کې اخوان المسلمین تسليم نشول نو اوس يې د تسليمېدو هيله لرل يو وهم او خيال دی، لکه چې په تېرو بحثونو کې مو ياده کړې اخوان تر دې سختې شپې ورځې تېرې کړي، تر دې يې خورا ناوړه تجربې ليدلي، مشران يې د همدې ډول پوځي واکمنانو له لوري زنداني شوي، اعدام شوي، سلګونه نور ډول ډول ظلمونه يې ليدلي خو نه يې خپل هدف ته شا کړې، نه يې له چا سره سازش کړی، نه د سرکار ناروا غوښتنو ته تسليم شوی او نه يې په عزم او ارادې کې بدلون راغلی، دا هغه واقعيتونه دي چې موافق او مخالف ټول سياست پوهان او شنونکي پرې اقرار کوي، تاريخ راته ښيي او په لوړه راته وايي چې اخوان نه تسليمېدونکی خوځښت دی، اخوان د خپلو آرمانونو په لاره کې هر ډول قربانۍ ته حاضر دی خو په هېڅ حال تسليمېدونکی ندی، اخوان د تسليم پنامه څه نه پېژني، ځکه د آزادۍ تر ژوند مرګ غوره ګڼي، وزنې، زندانونه او بې شمېره ډول ډول ستونزې او کړاوونه د خپلې بريا فرصتونه بولي او پر وړاندې يې مبارزه کوي، د اخوان تېر تاريخ رانښيي چې د اخوان په قاموس کې ډار او وهم ځای نلري، اخوان ماديات پرستان ندي چې د واک او ځواک په اخیستو يې پېښې و لږېږي، دا احساسات ندي او نه هم احساساتي خبرې دي، که د چا زړه ته نه لوېږي لږ شئ يو ځل د مصر زندانونه و ګورئ، لږ شئ يو ځل د مصر د ظلم او استبداد د دار کړۍ ننداره کړئ، لږ شئ يو ځل د مصر د پخوانيو مستبدو واکمنانو د قبرونو ډبرې ور و ټکړئ چې د همدې کلک نه ماتېدونکي مقاومت له لاسه زړه چاودې وو. نژدې يوه مياشت مخکې په مصر کې له خپل يوه ملګري سره د

سکايپ له لارې په تماس کې وم، نوموړی هلته د ماسټري زده کړې کوي او ور سره بېلابېلو رسنيو ته د خبريالۍ دنده هم لري. د خبرو په منځ کې مې و پوښت چې د مصر حالاتو په اړه راته ووايئ او تر ټولومهمه دا چې د څه باندې شپږو مياشتو مظاهرو، وژنو، زنداني کولو او نورو ستونزو وروسته د هغوی په احساساتو کې څه بدلون راغلی؟؟ ويل قسم په خدای چې زه کله له اخوانيانو سره خبرې کوم او يا هم ور سره ناسته لرم نو د صحابه کرامو دور چې مې په سيرت کې لوستی را ياد شي، له کوره به يې يو يا دوه شهيدان ور کړي وي، پلرونه او زامن به يې د شديدو ټپونوله امله په روغتون کې بستري يا په زنداني شوی وي خو دا به داسې ډاډمن وي چې تسليم به درنه هېر کړي، يعنې داسې ډاډمن به ناست وي چې سړی به ځان سره فکرو کړي چې د څه شي تسليميت ور کړم. نوموړی چې د اخوانيانو دې حالاتو سخت اغيزمن کړی و راته وايي: قسم په خدای چې زه کله لدوی سره کېنم نو د اسلام په عملي معنا پوه شم، ويل ماته د خالد بن وليد رضي الله عنه هغه خبره مخې ته ودرېږي چې په يوه جګړه کې يې خپل مقابل لوري ته کړې وه: اسلام راوړه او مسلمان شه، ګڼي قسم په خدای چې د داسې لښکر سره به در شم چې هغوی له مرګ سره داسې مينه لري لکه تاسو چې يې له ژوند سره لرئ، هو!! د هغو کسانو د ايل کول فکر چې له مرګ سره مينه لري او په خدا يې بډرګه کوي هېڅ معنا نلري. دوکتور ريچارد ميشل په خپل مشهور کتاب The Society of Brotherhood کې ليکي: مرګ يا شهادت د اخوان په تعليماتو کې تر ټولو با ارزښته او بنسټيزه کلمه ده، شهادت هغه توری دی چې شهيد امام حسن البناء به تل په خپلو ويناوو کې ترې يادونه کوله او فرمايل يې: (د آزادۍ لپاره مړ کيدل يو هنر دی بلکې تر ټولو هنرونو پورته). چون د اخوان تعليمات له سوچه اسلامي لارښوونو سرچينه اخلي نو ځکه شهادت يې بنسټيز اصل جوړوي. د اخوان دا تعليم لدې سرچينه اخلي چې پيغمبر صلی الله عليه وسلم فرمايي: که چا جهاد ونکړ او يا يې تر مرګه د شهادت مينه هم په زړه کې نه وه نو بېشکه چې د منافقت په مرګ مړ شوی. هو مرګ او وژل د اخوان اراده نشي کمزوری کولی او نه يې هم د باطل منلو ته تسليمولی شي، دا کومه فرضيه او يا هم د احساساتو خبره نده بلکې د اخوان تېر پنځه اتيا کلن تاريخ يې را ښيي....

دوام لري

راپور : خاکسار وقار

لغمان کې

د اسلام پوهنې ستري سيالۍ

ستوري اعلان شول



مسئولينو څخه مننه وکړه چې داسې مهمه سيالي يې په لاره اچولې وه.

د غونډې دويمه برخه د سيالۍ د ستورو د اعلان لپاره ځانگړې شوې وه چې په لغمان کې د نجم مسئول بښاغلي انجينر عبدالرحيم مياخيل له خوا پر مخ وړل کېده. د يادې سيالۍ لومړۍ ستوري بښاغلي فيض الله ؤ چې تر ټولو لوړې نمرې يې اخيستي وې ورپسې په ترتيب سره بښاغلي سليم خان او احسان الله د لوړو نمرو اخيستونکي اعلان شول. د سيالۍ له گډونوالو څخه ۶۰ تنو نارينه او بښځينه وو ته چې لوړې نمرې يې اخيستي وې جايزې ورکړل شوې. د يادولو وړ ده چې د سيالۍ لومړي گټونکي ته لپ ټاپ کمپيوټر، دويم او درېيم ته بایسکلونه او ورپسې پاتې گټونکو ته په ترتيب سره موبایلونه او د کتابونو سیتونه ورکړل شو.



د غونډې د پای ويناوېل په لغمان کې د جمعيت اصلاح مسئول بښاغلي ډاکټر محمد مقيم ؤ، نوموړي د يادې سيالۍ ټول تنظيمونکي وستايل او په ځانگړې توگه يې د نهاد جوانان مسلمان (نجم) له ځوانانو څخه مننه وکړه چې د سيالۍ په طرحه او تنظيم کې يې ډېرې هڅې کړې وې.

د يادونې وړ ده چې جمعيت اصلاح افغانستان د يو فعال ټولنيز سازمان په توگه د افغانستان په اکثرو ولايتونو کې په تعليمي، فرهنگي، دعوتي او ټولنيزو برخو کې فعاليت کوي چې دا پروگرام يې هم د همدې لړۍ يوه کړۍ وه.

د لغمان مرکز په قلعه السراج تاريخي بڼ کې د اسلام پوهنې سيالۍ جوايز د وري (حمل) د مياشتې په لومړۍ نېټه د يوې ستري غونډې په ترڅ کې وپېشل شول. دغه سيالۍ چې دوه اونۍ وړاندې په همدې ځای کې ترسره شوې وه شاوخوا ۵۰۰ تنو نارينه او بښځينه ؤ په کې گډون کړی وو.

د جوايزو د وېش دغه غونډه د جمعې په ورځ سهار ۸ بجې د قرآن عظيم الشان په تلاوت سره پيل شوه. پرانسته وينا په لغمان کې د جمعيت اصلاح دعوت او ارشاد مسئول بښاغلي مولوي محمد عيسى عالمي وکړه، د ازموينې د نتايجو په شفافيت يې خبرې وکړې او زياته يې کړه، چې د اړتيا پر وخت ځينې پارچې څو ځله هم وکتل شوې تر څو د گډونوالو پر حق له زياتي څخه مخه نيول شوي وي. د غونډې دويم ويناوېل د جمعيت اصلاح د مرکزي شورا غړي بښاغلي دکتور صفت الله قانت ؤ، نوموړي د جمعيت اصلاح د بديلي پروگرامونو په اهميت او ضرورت خبره وکړه او ځوانان يې د غسې پروگرامونو کې د گډون لپاره وهڅول.

ورپسې د جمعيت اصلاح د ختيز زون مسئول او د مرکزي شورا غړي بښاغلي استاد عبدالرحيم صراف وينا وکړه، ځوانانو ته يې د اسلام د تېر برم په اړه لنډې خبرې وکړې او د مسلمانانو کارنامې يې ورپه زړه کړې.

استاد د خپلو خبرو په ترڅ کې د لغمان د جمعيت اصلاح او نجم

الفبای تربیت اسلامی فرزندان



اولاد نعمتی است که الله متعال برای انسان نصیب می سازد. و این نعمت، در واقع محک آزمایش انسان می باشد؛ تا الله متعال انسان ها را بیازماید که چگونه تعاملی با اولاد خود دارند؟ حقوق شان را می شناسند و به ادای آن همت به خرج می دهند و آیا محبت مفرط به آنها مانع ادای عبادت و مسئولیت های دینی شان قرار نمی گیرد؟

بلی! اگر انسان در برابر فرزندان خود، احساس مسئولیت نماید و در زمینه تربیت آنان همت به خرج دهد، بدون شک در مصاف آزمایش موفقانه بدر می آید و سپاس این نعمت را ادا می کند. اگر فردی در برابر این نعمت بی احساس باشد و در راستای تعلیم و تربیت آنان توجه لازم معطوف ندارد و ادبیات زندگی اجتماعی و آموزه های اسلامی را برای شان نیاموزاند، در امتحان پروردگار ناکام شده و موجبات عذاب خود را فراهم می گرداند و بدون شک، بی باکی در این عرصه، زمینه های لجام گسیختگی اخلاقی و اجتماعی و پراگندگی فکری و رفتاری را فراهم می سازد.

این نکته را به یاد داشته باشیم که تعلیم و تربیت برای انسان به مثابه دو بال است، با داشتن دو بال، پرواز به سوی رشد صورت می گیرد و انسان می تواند که بدین وسیله به سپهر سعادت و عزت قدم بگذارد و اگر یکی از این دو بال نباشد، پرواز به صوب سعادت مشکل خواهد بود. بیشتر شدن گراف فساد، جرایم اخلاقی و لاپرواہی ناشی از عدم توجه والدین به تربیت اولاد شان است، و این قضیه حساس را دست کم می گیرند و خوش می شوند که فرزندان شان، روزانه صد افغانی را از طریق دست فروشی بدست آورند! اما به این موضوع حساس توجه نمی کنند که این فرزند اخلاقش چگونه است؟ در اجتماع با کی ها دوست است؟ فکر اجتماعی او چگونه است؟ برای اصلاح او چه راه هایی را باید در پیش گیرد؟ و او را چگونه محاسبه نماید؟

به همین خاطر است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ضمن ارشادات گهربارش، تمرکز بیشتر به تربیت اولاد کرده است و اولاد صالح را صدقه جاریه خوانده است.

کتاب حاضر که دوست عزیزم محترم محقق عبدالرحمن حکیمزاد به روش خیلی شیوا ترجمه کرده است، بنده همه عناوین آن را مرور کرده ام و بدون تردید، آن را نسخه ی مفید در عرصه تربیت و اصلاح اولاد یافتیم. فردی که می خواهد اولادش درست تربیت شود و ادب بیاموزد و به مسیر درست انسانی روان باشد، این آرمانش را از رهگذر خوانش این کتاب می تواند برآورده سازد و با استفاده از این کتاب، می تواند به گونه واقعی حقوق طفل خود را بشناسد و به ادای آنها به طور بایسته بپردازد.

این کتاب را تحفه ی بی ماندنی می دانم برای هر خانواده مسلمان؛ خانواده دلسوز به فرزندانش، نگران به آینده آنان، خانواده ی که می خواهد فرزندش عضو سودمند و مفید، به جامعه تقدیم نماید و صدقه جاریه برایش قرار گیرد.

خواندن این کتاب را به خاطر تحقق آرمان های بزرگ والدین، برای همه پدران و مادران توصیه می کنم.

از الله متعال می خواهم که این کتاب را مایه سعادت مندی نویسنده اش، مترجمش و همه آنانی که آن را به خوانش می گیرند، قرار دهد.